

اصول تعلیم و تربیت دینی

دکتر فریال آمار

مقدمه

یکی از عناصر تشکیل دهنده نظام تربیتی، عنصر اصل است که در کنار دیگر عوامل از قبیل مینا، روش و هدف، چارچوب کلی یک نظام تربیتی را ترسیم می‌کند. اگرچه ضرورت وجودی اصل در هر نظام تربیتی تردیدناپذیر است، ولی این ضرورت در حوزه تربیت دینی ملموس‌تر است، زیرا بیش‌تر بر محور ارائه قالب‌ها و چارچوب‌های کلی استوار است. آنچه در تربیت دینی نقش محوری ایفا می‌کند، دریافت روح حاکم بر روش‌هاست که از طریق یک نگرش دینی به اسان و اهداف وجودی او قابل برداشش و دسترسی است.

معنای لغوی اصل

واژه اصل در زبان فارسی معادل واژه انگلیسی PRINCIPLE است. گاه مفصود از اصل، بیخ، بن و ریشه است. برای بحث درباره هر امری باید به ریشه و اساس واقعی آن توجه کرد. در این معنا اصل در مقابل فرع قرار دارد. گاه نیز اصل به معنای عینی و متصل در خارج است و از این لحاظ می‌توان از واژه اصیل در مقابل اعتباری سخن گفت و گاه نیز اصل به معنای حقیقت (در برابر باطل) است و در این استعمال، اصیل در مقابل بدلی یا ناخالص به کار می‌رود. (باقری، ۱۳۷۰، ص ۶۸).

در مفردات راغب، اصل السی، ریشه و پایه هر چیزی معرفی شده که اگر آن پایه و ستون در حال بلند شدن و بلندی توهم شود، نیروی خیال نمی‌تواند آن را تصور کند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۶۰).

در قرآن کریم اصل در معنای ریشه، بنیان و اساس مورد استفاده قرار گرفته است (سوره صافات، آیه ۶۴ و سوره حشر، آیه ۵ و...). ترکیباتی که از ریشه «اصل» ساخته شده است نیز همین معنا را ناعده می‌کند. به عنوان مثال، کلمه «اصال»، جمع الجمع کلمه «صیل»، به معنای نان روز آورده شده است. در آیه ۱۵ سوره مد که رعد حسی می‌خوانیم: «... والله يسجد من فی السجود و الا من طوع و اکره» «ملائکه بالعدو والاصال». مرحوم عابدی (مطابق بی‌ذیل این کتاب) در تفسیر خود توضیح می‌دهد: «... پس اصال حدی جمع اصل است و از این جهت این ساعت از روز، معنی این عصر و غروب افتاب را اصال گفته‌اند که گویی ریشه و مبدأ است» (مطابقی، ۱۳۶۳).

معنای اصطلاحی اصول تعلیم و تربیت

اصول تعنیم و تربیت، مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در شش‌تر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیای فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در کلیه

اعمال تربیتی باشد (شریعت‌مداری، ص ۱۱).

اصول، مجموعه قواعدی است که با نظر به قانونمندی‌های مربوط به ویژگی‌های عمومی انسان (مبانی تربیت) اعتبار شده و به‌عنوان راهنمای عمل، تدابیر تربیتی را هدایت می‌کنند. بنابراین، در این نگاه اصول مبتنی بر مبانی‌اند (باقری، ۱۳۷۰، ص ۶۵).

ویژگی‌های اصول تعلیم و تربیت

اصول تعلیم و تربیت از چند ویژگی برخوردار است: اولاً اصل، امر انتزاعی است، نه عینی و با توجه به مبانی تعلیم و تربیت انتزاع می‌شود. ثانیاً اصل، ماهیت هنجاری دارد؛ بدین معنا که اصول تربیت متضمن ارزش‌گذاری متناسب با مبنای پذیرفته شده در تربیت و اهداف مورد نظر آن است. ثالثاً، اصل، حاکم بر تعیین روش‌هاست و در انتخاب روش متناسب با اهداف و مبانی تربیتی کمک می‌کند.

ضرورت و فایده اصول تعلیم و تربیت

فواید ذیل برای اصول تعلیم و تربیت قابل تأمل است:

الف) تأثیر در نیل به هدف تربیتی

ب) انعطاف در روش‌ها

ج) محوریت اصول در ایجاد ارتباط منطقی بین عناصر نظام تربیتی.

اکتشاف یا وضع اصول تعلیم و تربیت دینی

مشخص کردن اصول تعلیم و تربیت از جمله اقدامات اساسی است که باید قبل از هر کاری انجام پذیرد. سؤالی که اکنون مطرح است این است که آیا اصول تعلیم و تربیت موضوعه است یا مکشوفه؟ اگر موضوعه است چه کسی صلاحیت وضع (برقراری) آن‌ها را دارد و اگر مکشوفه است، در کجا و چگونه باید به اکتشاف و پی‌جویی آن‌ها پرداخت؟

معنای موضوعه یا مکشوفه بودن اصول این است که: «اصول موضوعه مجموعه قضایا و احکام نظری است که بدون استدلال و برهان در علمی پذیرفته می‌شود تا مسائل آن حوزه علمی براساس آن اثبات شود؛ مثلاً اصل تربیت پذیر بودن انسان در علم آموزش و پرورش، اصل موضوعه است، بدون این که این علم اساساً آن را اثبات کرده باشد (تقی‌پورظهیر، ۱۳۶۹، ص ۱۰۰). ولی اصول مکشوفه کشف کردنی است، مثلاً اصول آموزش و پرورش را می‌توان از طریق ملاحظه رفتار معلم و شاگرد کشف کرد. روشن

است که علم تعلیم و تربیت دارای مجموعه‌ای از اصول موضوعه است که از سایر حوزه‌های معرفت به عاریت گرفته شده است و در واقع نقش مبانی تعلیم و تربیت، ارائه مجموعه‌ای از اصول موضوعه برای تعلیم و تربیت است. به علاوه علم تعلیم و تربیت در جریان اجرا به اصولی دست می‌یابد که به دلیل این که در خود علم و از طریق تحقیقات تربیتی به دست آمده است، در زمره اصول مکشوفه قرار می‌گیرد. لذا نمی‌توان با اطمینان قاطع اظهار داشت که اصول تعلیم و تربیت فقط یکی از این دو نوع است، بلکه به نظر می‌رسد در جریان تعلیم و تربیت از هر دو گروه این اصول استفاده می‌شود. البته اگرچه اصول تعلیم و تربیت در اسلام به لحاظ این که در قرآن، متون مذهبی و سایر منابع وجود دارد، موضوعه و به لحاظ این که در متون مذهبی باید به اکتشاف و استخراج آن‌ها پرداخت، مکشوفه است؛ ولی به دلیل اجتهاد و استنباط افراد از متون دینی بیش‌تر حالت کشفی دارد، اگرچه نه کشفی بلاواسطه و مستقیم، بلکه حالت نوعی کشف با واسطه یا دست دوم دارد. دلیلی که رجحان کشفی بودن اصول را بر وضعی بودن آن‌ها به اثبات می‌رساند، اختلاف نظر صاحب‌نظران اسلامی در برخی اصول است؛ زیرا اگر اصول جنبه وضعی داشت، دیگر هیچ اختلاف نظری موجه تلقی نمی‌شد.

منابع اکتشاف اصول تعلیم و تربیت دینی

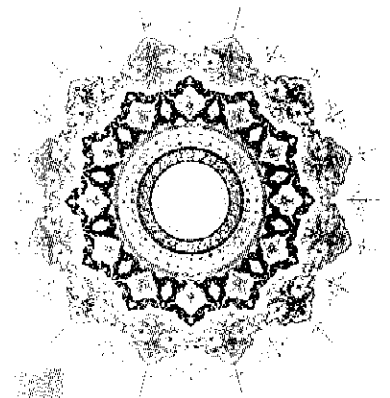
برای اکتشاف اصول تعلیم و تربیت دینی باید به‌چگونگی ارتباط آن‌ها با خاستگاهشان، یعنی دین، توجه لازم را داشت. به عبارت دیگر، در تعلیم و تربیت دینی، این اصول را قطعاً باید از قرآن و سنت استخراج کرد؛ و البته این دو به منزله نور واحدند، زیرا قرآن قبل از هر چیز کتاب تربیت است و قطعاً رهنمودهای کافی و جامع در این زمینه ارائه کرده است. سنت پیامبر اعظم (ص) نیز تجلی انسان مورد نظر خداوند است، زیرا «اخلاق آن حضرت قرآن بود و او به تمامه تجلی کتاب خدا، جلوه تام حق، اتم کلمات‌الله و حقیقت عینیة اسم اعظم بود» (امام خمینی، ۱۳۵۹، ص ۱۴۷)؛ و در خبر است که «کان خلق رسول الله (ص) القرآن» (احیاء العلوم، ج ۲، ص ۳۲۹). هم‌چنین از حضرت صادق (ع) نقل شده است (تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۸۹): «خداوند پیامبرش را تربیت کرد و بهترین تربیت را نمود و چون تربیت خودش را به نهایت کمال رسانید فرمود: اِنَّكَ لَعَلَى خَلْقِ عَظِيمٍ: تو اخلاق عظیم و برجسته داری» (سوره قلم، آیه ۴).

بنابراین با عنایت به این که در نظام تعلیم و تربیت دینی، انسان بالقوه خلیفه خداوند بر روی زمین تلقی می‌شود و پروردگار

او را اشرف مخلوقات قرار داده است، برای تحقق این شرافت در زندگی واقعی و به فعلیت رساندن استعدادهای الهی، باید از اصول تربیتی بی که او را به یک انسان نیک مبدل می‌سازد و در عین حال او را تا سر حد یک مخلوق برتر سوق می‌دهد، پیروی کند.

طبقه‌بندی اصول تعلیم و تربیت دینی

حیطه و دامنه تأثیر اصول تربیت تا کجاست؟ ارائه پاسخی دقیق و قانع کننده به این سؤال تا اندازه زیادی ما را از گرفتار شدن در گرداب اختلاف نظرهای موجود درباره اصول تربیت مصون خواهد داشت. اگر جریان تربیت، هدایت مترتبی توسط مرتبی برای رسیدن به کمال مورد نظر خالق، و اصل نیز قاعده‌ای بنیادین و اجتناب‌ناپذیر برای این جریان تلقی شود، آن گاه اصل



تربیتی ریشه و بنیانی خواهد بود که بر کل جریان تربیت از ابتدا تا انتها حاکم و ناظر است و به هیچ وجه و در هیچ موقعیتی امکان تخطی از آن وجود ندارد. از سوی دیگر، اگر اصل را راهنمای عمل در تدابیر تربیتی بدانیم، تلویحاً پذیرفته‌ایم که بخشی از جریان تربیت که شامل تعیین اهداف تربیتی است از قلمرو شمول اصول خارج باشد و لذا اصولی این چنین را می‌توان اصول کاربردی تربیت نام نهاد، در حالی که اصول کلی و فراگیر تربیت را می‌توان اصول عام تربیت نامید. البته یادآوری این نکته ضروری است که در تعیین اهداف تربیت، هدف نهایی و غایی جریان تربیت توسط خالق انسان‌ها تعیین شده، ولیکن برای گام برداشتن و نزدیک شدن به سوی این هدف نهایی، تعیین هدف‌های واسطه‌ای، به مثابه پله‌های نردبان برای صعود بر بلندای، ضروری است و اصول عام تربیت بر جریان تعیین این اهداف و سپس تعیین محتوا و روش‌های لازم برای تحقق این اهداف حاکم و ناظر می‌باشد. در حالی که اصول کاربردی به مراحل پس از تعیین اهداف واسطه‌ای اشاره دارد و صرفاً شیوه و طریق رسیدن به اهداف تعیین نشده را مشخص می‌سازد و خود در جریان انتخاب آن‌ها هیچ نقشی ندارد. بنابراین، بدیهی است که اگر به جریان تربیت واقع‌بینانه نگاه کنیم، ضرورت وجود اصول عام تربیتی را با تمام وجود احساس می‌کنیم و در عین حال نمی‌توانیم خود را از دقت و تعمق در تعیین اهداف واسطه‌ای تربیت بی‌نیاز و میرزا بدانیم. در همین مسیر، در سلسله مقالاتی که از این پس تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود، به تبیین مهم‌ترین اصول عام و کاربردی تعلیم و تربیت دینی پرداخته خواهد شد.

منابع:

- باقری، خسرو (۱۳۷۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. چاپ دوم. تهران: انتشارات مدرسه.
- تفسیر نورالثقلین (۱۳۷۳). عبدلی بن جمعه عروسی حویزی. تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی مجلانی. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- تقی‌پور ظهیر، علی (۱۳۶۹). اصول و مبانی آموزش و پرورش. چاپ اول. دانشگاه پیام نور.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۵۹). شرح دعای سحر. ترجمه سید احمد فهری. نهضت زنان مسلمان.
- راغب اصفهانی (۱۳۶۱). مفردات الفاظ قرآن. ترجمه غلامرضا خسروی حسینی. جلد اول. کتاب فروشی مرتضوی.
- شریعت‌مداری، علی. اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- طباطبایی، محمّد حسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.